

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com
 دبیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com

سه شنبه ها منتشر می شود! 1 Nov 05 - ۱۲ آبان ۱۳۸۴

www.javanx.com

جوانان حکمتیست ۶۲

به تریبون سیاسی جامعه تبدیل شویم.



مصاحبه با بهرام مدرسی
(قسمت دوم)

فواد عبداللهی: در مصاحبه هفته گذشته اشاره کردید که دانشجویان باید تلاش کنند که روز ۱۷ آذر را به امکانی برای اعلام خواسته های مردم تبدیل کنند و به این اعتبار به تریبون سیاسی جامعه بدل شوند. دانشجویان اما ملیف یکدستی را تشکیل نمیدهند، گرایشات متعدد سیاسی در میان دانشجویان وجود دارد. پیش از اینکه به بحث اصلی برسیم، سوال من این است که این جریانات هم بیکار نخواهند نشست، منظورم کل اپوزیسیون درون و بیرون حکومت است. در این مورد نظراتان چیست؟

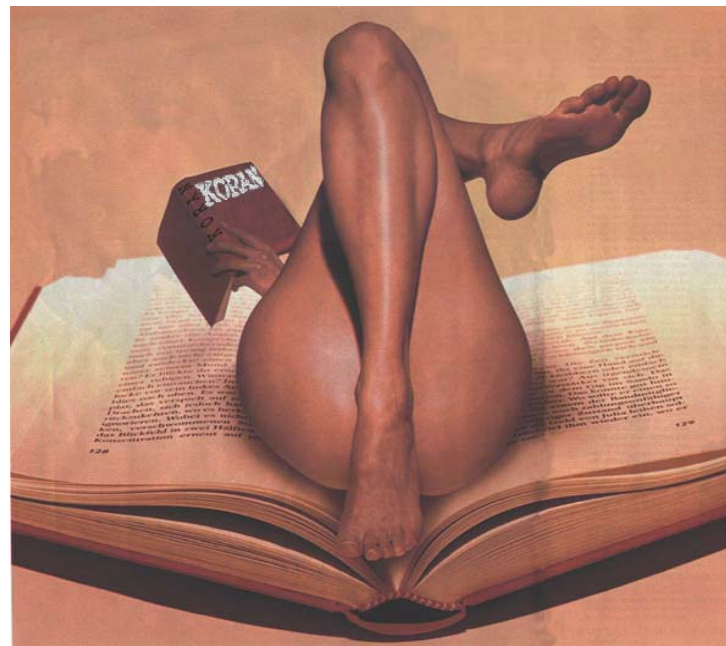
بهرام مدرسی: کاملا حق دارید. جریانات دیگر سیاسی هم قطعاً تلاش دارند ←

مصاحبه نسیم رهنما با روزنامه "یولند پستن" در مورد تعرض اسلامیها در دانمارک به آزادی بیان!

بلا گرفته است، سازمان های دفاع از حقوق بشر نیز با برپایی حرکت های اعتراضی به دفاع از آزادی اندیشه و بیان پرداختند. نسیم رهنما عضو فعال سازمان رهایی زن و سازمان جوانان حکمتیست در دانمارک در مصاحبه با رادیو فردا می گوید: ما اعلام کردیم که گروه های اسلامی اجازه مومن نخست وزیر دانمارک در پاسخ گفت: با توجه به حق آزادی بیان و اندیشه در مملووعات و بیان مشکلی کشورش در این مساله ایجاد کنند، از سوی دیگر گروه دولتی نخواهد کرد. در حالی که اعتراض گروه های اسلامی خارجیان نیستند. ←



چاپ ۱۷ تصویر خیالی از پیامبر اسلام در یکی از روزنامه های دانمارکی به جنجالی رسانه ای دامن زد. در پی چاپ این تصاویر خیالی ابتدا امامان مساجد لب به اعتراض گشودند و سپس گروه های اسلامی وارد عمل شدند. حتی برخی افراد نقاشان را به مرگ تهدید کردند. سفرای چند کشور اسلامی از جمله ایران هم در نامه ای از نخست وزیر دانمارک خواستند این عمل روزنامه "یولان پوستن" را محکوم کنند. ولی راس



پیش شرطهای خلاصی از اسلام سیاسی و اسارت دینی! اعظم کم گویان ص ۳

طولانی تر از ۳۶۵ روز! بهرام مدرسی ص ۲

یاد و بزرگداشت "نه به ز" احمدزاده بعد از گذشت یکسال از آخرین دیدار با او



عزیزان!

ما خانواده احمدزاده در شهر کن آلمان علاقه مندیم به همراه دوستان و آشنایان خانوادگی و رفقا و دوستان نه به ز، بعد از گذشت یکسال از آخرین روزی که نه به ز را از نزدیک دیدیم و بوسیدیم، باری دیگر دور هم جمع شده و از او یاد کرده، و خاطره های عزیز و مهربانی هایش را گرامی بداریم

آرزو مندیم شما عزیزان بدین مناسبت ساعاتی در جمع ما حضور بهم رسانیده و در مراسم یاد و بزرگداشت نه به ز شرکت بفرمائید شاید این هم سببی شود در جهت تخفیف بار سنگین مصیبتی که بر ما سایه افکنده است.

از طرف خانواده

احمدزاده - عمر احمدزاده

زمان جمعه ۴ ماه نوامبر از ساعت ۱۶ تا ۲۰
 بعازظهر
 مکان:

Caritasverband für die Stadt Köln e.V. Internationaler Sozialdienst
 A1 Stolzestr
 Köln ۵۰۶۷۴



حتما باید در کنار آن تصویر عمومی که می خواهیم از آینده بدهیم، مطرح کنیم. مستقل از یک تصویر عمومی در دفاع از آزادی و برابری انسانها، طرح هر خواست دیگری البته خوب است ولی به نظر من کافی نیست. امروز بخصوص کافی نیست.

فواد عبداللہی: نیروهای فراخوان به تجمع در روز ۱۷ آذر جلوی دانشگاه ها داده اند. نظراتان در این رابطه چیست؟
بهرام مدرس: خوب اگر امکان باشد که اقدام خوبی است. نمیدانم که در آن روز امکان این فراهم باشد یا نه؟ باید به دقت اقدامات رژیم را تعقیب کرد. مستقل از ارزیابی اقدامات رژیم و توازن قوایی که در آن روز وجود خواهد داشت، پیشکی فراخوان چیزی دادن به نظرم کمی بی مسولیتی در قبال مردمی است که احتمالا به این فراخوان ها بخواهند جواب دهند ضمن اینکه فراخوان ما هم همیشه این بوده است که باید

جنسیت و محل تولد، انسان میدانند اعلام شود. این را باید ما تضمین کنیم. ما از طرف دیگر نیروهای سابق متعلق به جبهه دوم خرداد را داریم که به نظر میرسد امسال بخصوص به نسبت سالهای قبل تحرک بیشتری از خود نشان بدهند. اینها از حکومت بیرون رانده شده اند و حتما تلاش میکنند که خود را یکبار دیگر قاطی اعتراض دانشجویان بکنند، که باید جوابشان را کف دستشان گذاشت.

فواد عبداللہی: نظراتان در رابطه با خواسته هایی که همین امروز از طرف دانشجویان دانشگاه های مختلف مطرح میشود چیست؟
بهرام مدرس: من طرفدار طرح همه این خواسته ها هم هستم. خواست لغو جدایی جنسی در دانشگاه ها که بخشی از همان شعاری است که در سوال قبل به آن اشاره کردم. مطالبات دیگری که خواست دانشجویان است را

اضافه کنید آنوقت کل سناریو عراقیزه کردن ایران را خواهید داشت. سوال من این است که آیا این سناریو مطلوب مردم در ایران است؟ آیا جدا همه میخواهند که کودکان محله بغل دستی به جرم داشتن زبانی دیگر یا بقول آنها تعلق به قومی دیگر، قتل عام شوند؟ این آینده ای است که مردم روزانه آرزویش را دارند؟ جواب همه این سوالات منفی است. مردم میخواهند که رژیم اسلامی برود و بجای آن زندگی و جامعه ای آزاد ساخته شود و این آرزو، این امید و این خواست است که در روز ۱۶ آذر باید از تریبون دانشگاه به گوش جامعه برسد. نیروهای دیگر حتما سعی خواهند کرد سناریوی خود را از تریبون دانشگاه اعلام کنند که همانطور که گفتم ما دانشجویان آزادخواه و چپ باید تضمین کنیم که در این روز شعار و خواستی که آزادی و برابری انسانها را اعلام میکند، شعار و خواستی که انسان را مستقل از رنگ پوست، مذهب،

که چه در رابطه با ۱۶ آذر و چه در رابطه با کل اوضاع سیاسی جامعه شعارها و مطالبات خود را حاکم کنند. بحث اصلی هم اتفاقا همین است. به این نیروها نگاه کنید. چه آنها که سابقا در حکومت بودند و چه آنها که بیرون حکومت هستند، همه چمگی به شعار فدارلیسم روی آورده اند. فدارلیسمی که نتیجه اش این خواهد بود که فردای سرنگونی رژیم اسلامی مردم بر سر به اصطلاح مرزهای قومی خود یکدیگر را بکشند و جنایات صربستان و یوگوسلاوی سابق تکرار شود، قرار است که انسانهایی که به کرد و ترک و فارس و عرب و ... تقسیم شده اند بر سر کوه و جویبار و محله و شهرها با یکدیگر بجنگند. به این بلبشوی قوم گرایی، حضور و تحرک نیروهای مسلح اسلامی را هم اضافه کنید، به این تصویر سناریو نیروهای پرو غرب در تشویق عملیات نظامی در ایران را

تلاش کرد اعتراض در این روز را از دانشگاه بیرون آورد. سالهای گذشته این تلاش در شهرهای مختلف صورت گرفت که به دلیل بسیج وسیع نیروهای امنیتی رژیم محدود ماند. باید دید که امسال چه میتوان کرد؟

در مصاحبه ام گفتم که ما علاوه بر این هدف که این گروههای اسلامی را بر جای خود بشناسیم، میخواهیم نشان دهیم که این گروههای اسلامی نماینده "خارجیهای" دانمارک نیستند. در ادامه گفتم: این گروهها، دستجات معمولی نیستند بلکه با اسلام سیاسی و خیلی هدفمند به جنگ آزادی بیان رفته اند. در پایان مصاحبه ام آدرس سایتی که در آن امضا جمع آوری میکنیم به چاپ رسیده بود و همین باعث شد که ما تعداد بسیاری ایمیل از طرف افراد مختلف از سرتاسر دانمارک (هم "خارجی" و هم دانمارکی) دریافت کنیم که ما را مورد ساپورت خود قرار دادند و اعلام کردند که صد در صد با ما هستند و خوشحالند که اسلامیا با مخالفت شدید و به موقع ما رو به رو شدند و مضحکه تظاهراتشان علیه آزادی بیان انسانها بی جواب نماند!

www.vtrd.webbyen.dk

هدف ما از این کمپین سر جا نشانیدن گروهکهای اسلامی است. ما میخواهیم نشان دهیم که در قرن ۲۱ نمیشود کسی را به مرگ تهدید کرد و به عنوان بشریت متمدن دیگر اجازه نخواهیم داد و تحمل نخواهیم کرد بربریتی را که به خود اجازه میدهد با تهدید به مرگ آزادی بیان کسی را راسل بکند. هرکسی باید امنیت داشته باشد که هرچه میخواهد بگوید و بنویسد بدون اینکه جاننش در خطر بیفتاد.

یولند پستن: کمپین شما چه انعکاسی در جامعه داشته است؟
نسیم رهنما: بلافاصله بعد از اعلام کمپین تعداد زیادی به جمع ما پیوستند و به سایتی که ما اعلام کرده بودیم رفته و اعتراض نامه ما را امضاء کرده اند. من با روزنامه "یولاند پوستن" که عکسهای محمد را چاپ کرده بود و روزنامه "پولیتیکن" و رادیو سراسری دانمارک مصاحبه داشتم.

در دو نفر از نقاشان تصویر محمد، به طرق مختلف تهدید شده اند!

یولند پستن: در اخباری که بدست ما رسیده این طور شنیده میشود که چند کشور اسلامی هم خود را وارد ماجرا کرده اند. آنها چه میگویند؟
نسیم رهنما: ۱۲ کشوری که اسلامی ها در آن قدرت دارند از جمله ایران، ترکیه، مراکش، عربستان، پاکستان و کویت و ... به طور رسمی و از طریق سفارتهای خود در دانمارک به نخست وزیر دانمارک "اندرس فوگ" رسماً شکایت کرده اند. نخست وزیر رسماً در جواب به این شکایت گفت: "تمام پایه دموکراسی در دانمارک بر اساس آزادی بیان است و او دخالتی نخواهد کرد"

یولند پستن: عکس العمل شما در مقابل این تحریکات اسلامیون چه بوده است؟
نسیم رهنما: ما به محض مطلع شدن از این موضوع کمپینی را، در دفاع از آزادی بیان شروع کردیم.

محاصبه نسیم رهنما با رادیو فردا
یولند پستن: جدیداً در دانمارک گروههای اسلامی شروع به تعرض به مطبوعات و آزادی بیان کرده اند. جریان بر سر چه بود؟
نسیم رهنما: جریان بر سر این بود که یک نویسنده کتاب کودکان احتیاج به تصویر عیسی مسیح و محمد برای مطالب کتابش داشت، ولی هیچ نقاشی جرات نمی کرد تصویری از محمد را بکشد. روزنامه مشهور دانمارکی بنام "یولاند پوستن" از همه نقاشان دعوت کرد که هر کس هر طرحی از محمد در ذهنش دارد را بکشد که در تاریخ ۳۰ سپتامبر این روزنامه ۱۲ عکس مختلف از محمد را به چاپ رسانید. ۱۴ اکتبر در اعتراض به چاپ عکس محمد در روزنامه و آنچه که "توهین به اسلام" خوانده میشود به فراخوان گروههای اسلامی ۳۰۰۰ مسلمان دست به تظاهرات در مرکز شهر زدند. از زمان چاپ عکسها در روزنامه تاکنون مسئولین روزنامه

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



بهرام مدرسی

را ادامه میدهند ببینم. احساسی دوگانه که مملو از دلنگی از دست دادن یکی و شور و شعف بودن با دیگری است. احساسی که هر دو مملو از افتخار هستند. افتخار به بودن با نه به ز و رفاقتش. افتخار به بودن با صدها انسان دوست داشتنی دیگری که صدا و چهره و حال نه به ز را با خود دارند. در دنیایی که روزانه صدها انسان در آن قربانی چیزی میشوند و از دست میروند.

در آن دنیایی که با یک بمب در خیابان و کوچه و محله، عشق به زندگی را خاموش میکنند، در دنیایی که حتی کودکان به جرم کودکی بودن محکوم به مرگ و به اسارت گرفته شدن و خاموش شدن هستند، در دنیایی که روز به روز سیاه تر و سیاه تر میشود، چطور میتوان خاطره کسی را، عزیزی را یاد داشت و آن هزاران از دست رفته دیگر را

یکسال از از دست دادن "نه به ز" عزیز گذشت. یکسالی که حتی یک لحظه اش را بخاطر ندارم که نه به ز را در کنار خودمان نداشته ایم. سخن گفتن درباره نه به ز برای من دوگانه است. از یکطرف باید درباره یکی از عزیزترین دوستانم که از دستش دادم صحبت کنم و مدام بگویم که او را از دست دادم، و از طرف دیگر نه به ز را، وجودش را و حضورش را در چهره تک تک عزیزانی که امروز کار و راه نه به ز

طولانی تر از ۳۶۵ روز!

فراموش نکرد؟ چطور میتوان از نه به ز یاد کرد و خاطره هزاران انسانی که در همین یکسال گذشته خاموش شدند را فراموش نکرد؟

نه به ز متأسفانه زیاد عمر نکرد، اما همین عمر کوتاهش او را به تلاش انسانها برای زندگی دور از مرگ و قتل و کودک کشی و گرسنگی و سیاهی و استثمار وصل کرد. گرامی داشت یاد نه به ز برای ما گرامی داشت دوست عزیزی است که از دستش دادیم. ولی در عین حال گرامیداشت تلاش او و ادامه کار

ناتمامش است. نمیتوان از نه به ز یاد کرد و به این تلاش او اشاره نداشت. نمیتوان از گل صحبت کرد و از زیباییش نگفت! و همین راز یاد کردن از نه به ز و فراموش نکردن آن هزاران از دست رفته دیگر است. یاد نه به ز فراموشی شدنی نیست، بخاطر رفاقتش، صمیمیتش، صبر و شکیباییش، خنده هایش از یکطرف و عقایدش، تلاشش، حکمتیستش و تعلقش به جنبش آزادی و برابری انسانها از طرف دیگر.

یکسال گذشته برای سازمان جوانان حکمتیست که "نه به ز" از بنیانگذارانش بود، برای حزب حکمتیست ها که نه به ز از اعضایش بود، سالی تعیین کننده بود. تعیین کننده بود بخاطر یک دنیا کارهای روی زمین مانده و منتظر اجرا، کارهایی که در یک آنجا جای خالی نه به ز را میشد احساس کرد و بخاطر افق های وسیع و زیبایی که

جنبش حکمتیست ها به همت تلاش رفقای نه به ز امکان تحقق به آن دادند. یکسال از از دست دادن نه به ز گذشت. یکسالی که غم نبودن او را با خود داشت و همین آنرا طولانی تر از ۳۶۵ روز کرد. برای تک تک ما، برای خانواده گرامی او، برادرانش، عزیزانش، دوستان و رفقایش. روزهای سختی برای عزیزانم عمر، پروانه، زرتشت، زرگار، شیرین، حیدر، امید، پگاه، صالح و همه انسانهای دوست داشتنی دیگری که شانس آشنایی و رفاقت با او را داشتند. از طرف همه اعضا و کادرهای سازمان جوانان حکمتیست، از طرف همه آن عزیزانی که تلاششان برای تحقق دنیایی آزاد و برابر حال و بوی نه به ز را با خوددارد، خانواده گرامیش را در آغوش میگیریم و یاد نه به ز عزیز را گرامی میداریم.

پیش شرطهای خلاصی از اسلام سیاسی و اسارت دینی!



اعظم کم گویان

امروز بیش از هر دوره ای از حاکمیت اسلام سیاسی و سلطه خونین اسارت دینی، توهم و افسانه اسلام خوش خیم و حکومت اسلامی معتدل شده، رنگ باخته است. امروز سرنوختی جمهوری اسلامی خواست و کلام اکثریت جامعه ایران است. بخصوص که طی هشت سال گذشته و در توهم به اسلام معتدل شده خاتمی و شرکا، زندگی مردم روز بروز سیاه تر شد. خشونت و فقر و تباهی فیزیکی و معنوی دستاورهای

اسلام بدخیم و خوش و خیم برای ۷۰ —۶۰ میلیون انسان بوده است. به موازات تبدیل سرنوختی به بستر اعتراض جامعه و رادیکال شدن تلاش و مبارزه مردم برای خلاصی از جمهوری اسلامی، جریانات دست راستی با اتکا به رفراندوم و توسل به دخالت نظامی آمریکا می خواهند جلوی مبارزه مردم برای درهم کوبیدن نظام اسلامی را بگیرند، قدرت سیاسی را بدون دخالت مردم و بدون درهم کوبیده شدن ماشین دولتی و بدون نابودی اسلام سیاسی، دست بدست کنند و این را هم سرنوختی جمهوری اسلامی و پیروزی مردم قلمداد کنند. با طرح رفراندوم قصد دارند مردم را از صحنه سیاست و اعمال اراده دور کنند، می خواهند ماشین دولتی نظام اسلامی را از گزند خشم مردم در امان نگه دارند و با این طرح، جریانات اسلامی در میدان نکه داشته شوند و سلطه توحش اسلامی باقی بماند.

بزنند که جمهوری اسلامی رضایت می دهد و با روی خوش، داوطلبانه و با دمکرات منشی مراسم برکناری خودش را بر پا می کند، با خوشرویی قدرت را تقدیم این حضرات می کند، تمدنانه کنار می کشد و از آن پس به مطالعات و تحقیقات در حوزه های علمیه که دیگر به سیاست کاری ندارند، می پردازد. این سناریوی دروغین را می خواهند به خورد مردمی بدهند که سه نسل توسط اسلام سیاسی ضربات و لطمات جبران ناپذیر جسمی، روحی، روانی، مالی و معنوی خورده اند؛ اینها را می خواهند به کارگران، زنان و جوانانی بفروشند که هر روز و هر شب هزار بار آرزوی سرنوختی رژیم را می کنند و می خواهند از چنگ بربریت حاکم نجات پیدا کنند. این طرح را می خواهند به مردمی حقه کنند که روزانه در اخبار می خوانند و می بینند که جریانات اسلامی از آمریکا و اسپانیا و فیلیپین تا

مراسم گرامیداشت یاد رفیق "نه به ز" احمد زاده از بنیانگذاران سازمان جوانان حکمتیست

روز جمعه ۴ ماه نوامبر یکسال از از دست دادن رفیق نه به ز احمدزاده میگذرد. نه به ز اما در این یکسال در قدم به قدم پیشروی های سازمان جوانان حکمتیست همراه ما بوده است. در پلنوم های این سازمان، در جلسات، در محافل گوناگونش در تلاش حکمتیست ها در تهران و شیراز و سنج و اهواز و مشهد، در اروپا و آمریکا، نه به ز را در کنار خود داشته ایم.

نه به ز را ما در نبردهای آینده برای خوشبختی و رفاه بشریت، برای ساختن جهانی که در آن خیری از نفرت و استثمار و فقر و سرکوب نباشد، درکنار خود خواهیم داشت. خانواده گرامی نه به ز عزیز، روز جمعه ۴ ماه نوامبر در کلن آلمان، مراسمی را بابت این عزیز دعوت کرده اند. ما همه رفقا، همسنگران و دوستان نه به ز عزیز در این مراسم حضور به هم خواهیم رساند و یاد عزیزش را گرامی خواهیم داشت.

زمان: جمعه ۴ ماه نوامبر از ساعت ۱۶ تا ۲۰ بعدازظهر
مکان:

Caritasverband für die Stadt Köln e.V. Internationaler
Sozialdienst
A۱ Stolzestr
Köln ۵۰۶۷۴

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



اقیانوسیه و پاکستان و افغانستان و روسیه و عراق و فلسطین و اسرائیل با چه قساوتی خون می ریزند و می کشند و به دنبال قدرت هستند.

طرح رفراندوم و درخواستهای فدایت شوم برای دخالت آمریکا در ایران، جز بقای اسلام سیاسی و گسیختگی مدنیت در ایران و در هم پاشیدن روال زندگی مردم چیز دیگری نیست. نباید گذاشت جریانات راست مردم را در مسلخ اسلامی ها، قوم گراها و فاشیست ها سر ببرند. سناریوی رفراندوم و دخالت نظامی آمریکا فقط عمر جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را زیاد می کند. راه چاره مصائب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی قیام مردم و درهم شکستن کل سیستم، ارزشها و نظام اسلامی است. سرنگونی جمهوری اسلامی سرآغاز یک انقلاب پیگیر برای زدودن مذهب از دولت و قانون و برای پاک کردن زندگی اجتماعی از ارتجاع دینی و

سنتهای عقب مانده، و برای عقب راندن دین به حجره های تنگ و کپک زده آن، و برای مقهور کردن اسلام به اراده انسان و سکولاریسم خواهد بود. انقلابی که درهم شکستن جمهوری اسلامی بقدرت قیام مردم سرآغاز آن باشد، توانی بمراتب بیشتر از انقلاب فرانسه علیه سلطه دین بر دولت و زندگی اجتماعی و برای زدودن آن از زندگی و روح و ارتجاع، خرافات و عقب ماندگی و دین خواهد تکاند و تحولات دامنه داری در قلمروهای اجتماعی، حقوقی، قانونی، فرهنگی و فردی بیار خواهد آورد.

پیش شرطهای این تحول عظیم سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر بقرار زیر است: سرنگونی کامل و بی قید و شرط جمهوری اسلامی و ساقط کردن اسلام سیاسی از قدرت دستگیری سران جمهوری اسلامی مصداقه کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای

التماس و دعا می کردم و می خواستم کاری کند که از شر همسایه شلوغ و سگ او که دائماً عوعو می کرد، نجات پیدا کنم. جو پسکی فقط با یک ملاقات کاری کرد که آن همسایه ناحساب خودش را جمع و جور کرد و دیگر مرا اذیت نکرد.

جور کارلین

هیچ چیز بیشتر از این برای مردان مایه کسر شان نیست که مجبورند زنان خود را نوازش و لمس کنند، که در غیر این صورت بدون تماس فیزیکی، مردان نمی توانند صاحب فرزند بشوند.

سنت اگوستین

تعابیر مذهبی که زن مسلمان را وادار به پوشیدن حجاب در کشورهای سکولار می کنند جایی که برابری قانونی زن و مرد و حقوق زنان برسمیت شناخته شده است، ذهنیتی را به نمایش می گذارند که فقط خواهان حجاب زنان نیست بلکه می خواهد مردان، جامعه و زندگی را کلا به انقیاد درآورد و پرده حجاب را بر چشم بصیرت و خرد بیندازد.

ادولیس

سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، مصداقه اموال سران جمهوری اسلامی و حوزه های علمیه و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع نیازهای مادی، معنوی، آموزشی، تفریحی، اجتماعی و سیاسی مردم انحلال کلیه حوزه های علمیه اعلام جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش اعلام آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق فردی و مدنی

بی خدایان، آزاد اندیشان! کسانیکه از جنایت و نکبت اسلام سیاسی و تجرح دینی به تنگ آمده اید! باید به قرنهای سلطه اسلام و جنایت و سلاطین مسلمان و آیت الله ها و قساوت دین اسلام و اسلام سیاسی پایان بدهیم. دیر شده است! باید آستینها را بالا بزنیم و این توحش را برای همیشه از ایران، خاورمیانه و دامن بشریت معاصر پاک کنیم.

نابود باد جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی
زنده باد سکولاریسم، آزادی و برابری



بیشتر ادیان را بشریت آزاد اندیش و آزادیخواه در طول صدها سال در قفس کرده است. این یکی را هرگز نگرفتند و مهار نکردند. چرخ می زند و نکبت می آفریند.

ملمور حکمت

گرچه اسلاميون خود را یک نیروی مدافع اخلاق قلمداد می کنند اما زبان آنان و اعمالشان سراسر نفرت و خشونت است. چگونه یک فرد خردگرا و انسان گرامی تواند با هر توجیهی آنها را تحمل کند و تولرانس نسبت به آنها نشان بدهد؟

تسلیمه نسرین

صریح و روشن بگویم: من مسلمان نیستم. من هیچوقت جرم ارتداد را نپذیرفته ام چون هیچگاه بعنوان یک انسان بالغ و عاقل در زندگی ام هیچ

مسیحیت دشمن آزادی و تمدن است و نوع بشر را در زنجیر انقیاد نگه داشته است. مسیحیت از یهودیت منشا می گیرد که زنان را از همه حقوق محروم کرده بود و بر مبنای مفاهیم انجیلی ضد زن قرار داشت که زن را سرچشمه تمامی شر و فتنه می دید. مسیحیت نفرت و ستیز با زن را اشاعه داد.

اگوست بیل

من علیه دین می نویسم زیرا اگر زنان بخواهند مانند انسان زندگی کنند باید خارج از چهارچوب دینی و قانون اسلامی شریعت زندگی کنند.

تسلیمه نسرین

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در رده احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت است و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبیتش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است. راستش همه ادیان همینند، اما



برنامه های پرگو روزهای جمعه از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب به وقت تهران (۶ تا ۷ بعدازظهر به وقت اروپا)
مرکزى و ۹ تا ۱۰ صبح به وقت (مردکای غربی از شبکه کاتالک یک پخش میشود)

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

(مردکای شمالی):

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC : 3/4

برنامه پرگو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com /parto

نوع اعتقاد دینی را برسمیت نشناخته و اعلام نکرده ام. کسی نمی تواند نسبت به عقیده ای که هیچوقت نداشته، مرتد شود و بخاطر آن مجازات شود. بسیاری از مسلمانانی که مورد احترام من هستند، از این مساله که به محض تولد به اسلام متعلق می شوند و اگر تصمیم گرفتند آن را برنگزینند مرگ در انتظارشان خواهد بود، وحشت خواهند کرد.

سلمان رشدی

قابل توجه خوانندگان نشریه

نشریه هفتگی جوانان حکمتیست از هفته آینده،

چهارشنبه ها منتشر خواهد شد.

با تشکر: فواد عبداللهی

به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید!